

شهر تهران مثل شهر ارواح شده بود!

۷ تیر ۱۳۹۵ ساعت ۱۶:۳۴

دیروز از بس آدم کشته بودند که در آنجا حمام خون راه افتاده بود؛ شهر تهران هم مثل شهر ارواح شده بود. نخستین بار که به تهران آمدم، انگار هاله ای از غم همه جا را فرا گرفته بود...

ماجرای سی تیر حماسه ای بود که به خوبی می توانست قدرت و توان مذهب را به رخ مخالفین بکشد. در این قیام البته بسیاری نیز به شهادت رسیدند. اگرچه دولت ملی پس از رسیدن به قدرت، قدر خون این شهدا را ندانست. امروز وقتی از قیام سی تیر سخن گفته می شود کمتر یادی از میزان خشونت آن به میان می آید؛ در حالی که این قیام بسیار پر هزینه بود و برای دوباره بر سر کار آمدن مصدق مردم بسیاری شهید و یا مجروح شدند. حکیمه امیری دیده ها و شنیده های خود در این زمینه را اینگونه روایت می کند:

«به هنگام وقوع حادثه ی ۳۰ تیر ۱۳۳۱ در تهران بودیم. در این روز از شیراز به تهران آمده بودیم تا به مشهد برویم. آن موقع، اتوبوس ها صبح از شیراز حرکت می کردند و عصر به اصفهان می رسیدند. چون جاده ها خاکی و ناامن بود، اتوبوس شب حرکت نمی کرد. شب را در مسافرخانه ای در اصفهان می خوابیدیم. صبح دوباره به طرف تهران حرکت می کردیم و عصر فردایش به تهران می رسیدیم.»

«شب ۳۰ تیر ۱۳۳۱، در اصفهان بودیم. مسافرخانه ی ما کنار چهار باغ و مشرف به خیابان بود. مردم اصفهان بیرون ریخته بودند و تظاهرات می کردند. بعد از استعفای دکتر مصدق، شاه، قوام السلطنه را نخست وزیر کرده بود و شعار مردم «یا مرگ یا مصدق» و «مرگ بر قوام» بود. جمعیت زیادی چهار باغ را پر کرده بود و ما از داخل مسافرخانه، شاهد و ناظر حوادث بودیم.»

«فردای آن روز به تهران آمدیم و به مسافرخانه ای که یکی از مدیرانش جهرمی بود، رفتیم. او برایمان تعریف کرد که دیروز از بس آدم کشته بودند که در آنجا حمام خون راه افتاده بود؛ شهر تهران هم مثل شهر ارواح شده بود. نخستین بار که به تهران آمدم، انگار هاله ای از غم همه جا را فرا گرفته بود.» ۱

پی نوشت ها:

۱- حکیمه امیری، خاطرات خانم بهجت افراز (ام الاسرا)، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۳۷

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۳۲۹۳۳/شده-لاروا-م-ت-تهرا-شهر/>